



معمای یسنا

«وطن امروز» گزارش می‌دهد دختر بچه ۴ ساله کلاله‌ای ربوده شده بود یا گم شده بود؟

صفحه ۴

یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ۲۶ شلو ۱۴۴۵ | ۰۵:۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۰۳-۰۳ | صفحه ۳۰۰- سوم

VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران

وطن امروز

۱۸۷ سال و ۲۲۶ روز گذشت



نگاهی به فیلم «مست عشق» که سقوط آزاد حسن فتحی در فیلم‌سازی به حساب می‌آید

مست گیشه مشق ترکیه

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4030 | SUN.MAY.05.2024 | ISSN:2008-2886

تیتراهای امروز

مقاومت عراق برای نخستین بار تل آویو را هدف قرار داد؛ هدف: ساختمان متعلق به موساد

شلیک

استراتژیک

- مقاومت عراق مرکز اطلاعاتی «گیلوت» را با موشک الارقب هدف قرار داد
- مقاومت بحرین مقرر شرکت صهیونیستی تراکنت در ایلات را هدف قرار داد

ایهود اولمرت: ما از این جنگ پیروز خارج نخواهیم شد

صفحه ۷

«وطن امروز» گزارش می‌دهد مزاحمت‌های طرفداران زن، زندگی‌آزادی برای معترضان ضد صهیونیست در دنیا

لکه ننگ

علیه انسانیت

صفحه ۲

بررسی دلایل برکناری شبانه علی خطیر از مدیریت استقلال

پرداختی‌های

دردسرساز

صفحه ۶

چرا تشکیل کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و امارات پس از ۱۰ سال مهم است

امارات، بارانداز

تجارت ایران

بذریاش در اتاق بازرگانی ابوظبی: امارات از فرصت بنادر لجستیکی ایران استفاده کند

صفحه ۳

نکته

گسترش مأموریت سپاه به نیمکره جنوب



مهدی بختیاری: آنطور که دیروز در اخبار آمد، نخستین مأموریت اقیانوسی و دوربرد نیروی دریایی سپاه در نیمکره جنوب زمین بانو «شهید نادر مهدوی» در حال انجام است.

شناورهای سپاه پیش از این نیز چند مأموریت در آب‌های آزاد از جمله خلیج عدن انجام داده بودند که همین ناو شهید مهدوی نیز در برخی از آنها حضور داشته اما مأموریت اخیر از چند منظر قابل توجه است. فارغ از محل و نوع انجام مأموریت، سپاه شناوری را به نیمکره جنوب فرستاده که به لحاظ تجهیز به تسلیحات تهاجمی، با همه شناورهای ایرانی -چه در ارتش و چه سپاه- متفاوت است. این شناور که اسفند ۱۴۰۱ به سازمان رزم ندسا ملحق شد، یکی از ۳ شناور اقیانوسی پیمان و دوربرد سپاه است که از میان آنها ۲ شناور (شهید مهدوی و شهید رودکی) تحویل شده و شناور دیگر (شهید باقری) نیز در آستانه تحویل قرار دارد. این شناورها در واقع شناورهایی هستند که تا تغییر کاربرد و تسلیح به سامانه‌های رزمی، این امکان را به نیروی دریایی سپاه می‌دهند که مأموریت‌های مختلف خود در آب‌های دوردمست و اقیانوسی را انجام دهد. در این میان، برخی شناورها به لحاظ امکانات و تجهیزات با بقیه تفاوت‌هایی دارند. برای مثال، شناور شهید باقری قرار است یک شناور تخصصی «پهپادبر» باشد اما شناور مهدوی از لحاظ سامانه‌های موشکی‌ای که روی آن نصب شده، با بقیه متفاوت است.

شناور شهید مهدوی با تناژ ۲۱۰۰ تن، طول ۲۴۰ متر و عرض ۲۷ متر را باید نخستین شناور رزمی ایران دانست که به موشک‌های دوربرد بالستیک مجهز شده است.

پهن سال گذشته برای نخستین بار، تصاویری از شلیک‌یک این موشک‌ها -که گفته می‌شود نبرد آنها ۱۷۰۰ کیلومتر است- منتشر شد که از داخل کانیتیرهای تعبیه شده روی این شناور به سمت هدف شلیک شدند. علاوه بر این، شناور شهید مهدوی به موشک‌های کروژ با بُرهای مختلف نیز تجهیز شده است؛ موشک‌های ۷۵۰ کیلومتری و البته ۲ هزار کیلومتری که پیش از این، فرمانده نیروی دریایی سپاه از آنها با عنوان «قدر ۴۲۴» نام برده بود.

در حوزه پدافند هوایی نیز در ابتدای رونمایی از این شناور، سامانه موشکی سوم خرداد (یکی از بهترین سامانه‌های موشکی پدافند هوایی سپاه) روی آن دیده شده بود.

ادامه در صفحه ۶

کدخدای

استبداد

بایدن اعتراضات دانشجویان آمریکایی علیه جنایت‌های اسرائیل در غزه را به شدت محکوم کرد!

مجلس نمایندگان آمریکا طرح تحت پیگرد قرار گرفتن دانشجویان معترض را تصویب کرد

تاکنون ۲۴۰۰ دانشجوی بازداشت شده‌اند

صفحه ۷



گتی‌ایم‌جی

گفت‌وگوی «وطن امروز» با محمدعلی فتح‌اللهی درباره جهانی شدن اندیشه انسان غزه‌ای

تکثیر عناصر مقاومت در جهان

به نظر ابعاد روان‌شناسانه این قضیه باید در آینده بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد. نگاه به واقعیت صحنه به سرعت ما را از آن تعبیر بسیار گول‌زننده و انحرافی که «تمدن با توحش می‌جنگد» خارج و آن را به یک تعبیر مسخره تبدیل می‌کند. به نظر اتفاقاً تعبیر برعکس است و تمدن و مدنیت به مسلخ کشیده می‌شود و این قضیه بعدها بیشتر روشن خواهد شد.

■ **در روزهایی که شاهد اعتراضات دانشجویی در غرب هستیم، اتفاقات عجیبی در حال رخ دادن است؛ یکی از این اتفاقات سرکوب دانشجویها آن هم توسط آمریکاست که اصل آزادی بیان را اصل ۱ قانون اساسی خود قرار داده. چه اتفاقی رخ می‌دهد که خود غرب حاضر است به این سمت برود که این اصل را زیر پا بگذارد و وارد دانشگاه شود و اقدام به بازداشت دانشجویان کند؟ به طوری که طبق آخرین آمارها، بیش از ۲۰۰۰ نفر را بازداشت و برنامه‌های محرومیت را برای آنها لحاظ کرده‌اند در صورتی که این دانشجویان بنای براندازی دولت‌ها و حکومت‌ها را نداشته‌اند، بلکه اعتراضی دارند.**

دارند به یک مساله حقوق بشری که کشتار کودکان و زنان در غزه است و حاضر نیستند چنین وضعی را تحمل کنند.

حکومت آمریکایی‌ها اصولاً بر خشونت بنا شده است. این برخورد خشن در آمریکا سابقه بارزی دارد. چند سال گذشته نیز در جنبش وال‌استری که مردم آمریکا اعتراض داشتند به حکومت یک درصد از اقلیت بر همه مردم، پلیس فوق‌العاده خشن عمل کرد و در سرکوب

این اعتراضات هیچ حد و مرزی برای خودشان قائل نبودند. در واقع بنا ایجاد ترس فوق‌العاده جامعه خود را اداره می‌کنند. حتی در اعتراضات چند سال قبل انگلیس، خود دولت انگلیس که نمی‌توانست اعتراضات را اداره کند، از پلیس ویژه آمریکا کمک گرفت و آن اعتراضات را به نحو خشنی سرکوب کرد.

نمی‌شود، برخلاف اینکه تصور می‌شد به یکی دو بار تظاهرات ختم شود اما سماجی که در ادامه تظاهرات دارند واقعا اتفاق بی‌ظنیری است. وقتی چنین پدیده‌ای وجود دارد آیا ما جایز نیستیم آن را نماد تمدن بدانیم و بگوییم اتفاقاً غزه متمم یا توحش عیان غرب درگیر شده است؟ به هر حال واقعیت قصه این است که ظلم بسیار سنگینی در حال رخ دادن است؛ یعنی کیفیت جنایت‌ها از نظر کشته شدن کودکان و زنان بی‌دفاع بی‌سابقه است و در یک محدوده جغرافیایی بسیار کم و محاصره، تمام زوایای زندگی از قبیل دارو، خوراک و از نظر تغذیه و دیگر مسائل تعطیل شده است که صحنه منحصربه‌فردی را در تاریخ بشر رقم زده است. با این وصف چگونه می‌شود این همه جنایت را مظهر تمدن بدانیم؟ این دیگر چه تمدنی است؟ در مرتبه بعد آیا این وسعت همدردی جهانی که با این مظلومان صورت می‌گیرد، می‌تواند مظهر توحش باشد؟ اگر همه جهان متوحشند و همه جهان طرفدار توحشند، نباید به دستگاه محاسباتی‌ای که برای ما توحش و تمدن را معنا کرد شک کنیم؟ اگر حجم عظیم ابعاد کیفی و کسّی جنایت که بی‌سابقه است، نماد تمدن است، به نظرم معنای کلمات متفاوت شده و معنای جدیدی از کلمات شکل گرفته است؛ لذا این تعبیر به نظرم بسیار نخبنا و مایه تمسخر است.

الان عکس این قضیه رخ داده است. انسان غزه تبدیل شده به انسانیت درون همه آدم‌ها در سراسر جهان. آنها هنگامی که ناراحت هستند یا مورد ستم واقع شده‌اند، خودشان را در قالب انسان غزه می‌بینند. این پدیده، بسیار استثنایی است که در هر گوشه‌ای از جهان، نمادی برای همه انسان‌ها و آزادی‌خواهان و همه مظلومان جهان باشند و همه یک فلسطینی و یک غزه‌ای در درون خود احساس کنند.

انسان غزه تبدیل شده به انسانیت درون همه آدم‌ها در سراسر جهان. آنها هنگامی که ناراحت هستند یا مورد ستم واقع شده‌اند، خودشان را در قالب انسان غزه می‌بینند. این پدیده، بسیار استثنایی است که در هر گوشه‌ای از جهان، نمادی برای همه انسان‌ها و همه مظلومان جهان باشند و همه یک فلسطینی و یک غزه‌ای در درون خود احساس کنند

در واقع آن آرامش ظاهری که ما در آمریکا می‌بینیم در پس پرده آن یک خشونت فوق‌العاده است؛ دولتی است که بمب اتم را استفاده کرد و ۲ شهر مهم زاین را با خاک یکسان و مردم را نابود کرد، این پیام را داد که چه در صحنه بین‌المللی و چه در صحنه مدیریت داخلی با خشونت و به همین شکل عمل می‌کند. پلیس آمریکا از نشان دادن چهره خشن خود ابایی ندارد و با ترسی که در دل‌ها ایجاد می‌کند می‌خواهد امنیت را برقرار کند لذا سرکوب فعلی یک موضوع جدید و بدون سابقه نیست اما بحث این است که اینها تبلیغات می‌کنند و ترس ایجاد می‌کنند. وقتی سرکوب کردند شروع می‌کنند بکسری رفتارهای به‌ظاهر دموکراتیک از خودشان نشان می‌دهند، لذا در مواقعی مجبور می‌شوند آن چهره اصلی خود را نشان دهند.

قضیه غزه اتفاقاً از این دست رخدادهاست. با اینکه سیستم امنیتی آمریکا طوری است که با دوربین و کنترل‌های عجیب و غریب لحظه‌به‌لحظه زندگی افراد را کنترل می‌کنند اما نشان می‌دهد حادثه غزه به‌قدری عجیب است که دانشجویان معترض از موانع و ترس که در سیستم آمریکا هست، عبور کرده‌اند و حاضرند آن فشارها را به جان بخرند.

من می‌بینم در گزارش‌ها کسانی که دستگیر می‌شوند عموماً از ترس و وحشتی که آمریکا ایجاد کرده عبور کرده‌اند و وحشت آنها فروریخته و اصلاً می‌دانستند سرکوب خواهند شد و این‌گونه نبود کسانی که در آمریکا تظاهرات می‌کردند فکر می‌کردند در یک جامعه باز و دموکراتیک، یک تظاهرات مسالمت‌آمیز می‌کنند بلکه کاملاً می‌دانستند سرکوب شدید خواهند شد و با وجود این به صحنه آمدند و در واقع ماهیت خشن آمریکا دوباره نشان داده شد. اما مهم‌تر از آن، شعوری است که در معترضان وجود دارد که با علم به سرکوب‌شدن از سوی دولت و پلیس کاملاً خشن آمریکا اما وارد این معرکه شدند و هنوز هم به اعتراضات خود ادامه می‌دهند که این نشان می‌دهد دستگیری‌ها نه تنها تأثیر نداشته، بلکه آنها را مصمم‌تر هم کرده است.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت روز

زنان، انتخابات و حکمرانی خانواده

دکتر ابوالفضل اقبالی *

نسبت میان زنان و حکمرانی پرسش جدی سده اخیر کشور ماست. فلسفه سیاسی‌ای که در سنت جامعه ایران قبل از انقلاب اسلامی رواج داشت بر امتناع حضور زنان در ساحت مدیریت اجتماعی و عدم تناسب میان قلمرو «زنانگی» و «سیاست» تأکید داشت. انقلاب اسلامی اما طرح دیگری را در حکمت سیاسی رقم زد که به لحاظ ماهوی «دین‌بنیاد»، در تحقق خود «مرد‌پایه»، در سطح راهبردی «عدالت‌محور» و به لحاظ رویکردی «زوجیت‌باور» بود. اعتقاد به نقش‌آفرینی زنان در فرآیندهای حکمرانی و مدیریت جامعه نزد رهبران انقلاب اسلامی یک باور حقیقی و غیرقابل خدشه است. این نگاه هم ناظر به ظرفیت‌های انسانی ویژه زنان و هم مبتنی بر زوجیت‌باوری در ساخت و تمهید لوازم حرکت جامعه اسلامی است. یعنی اگر قرار است عناصر و ساختارهای مختلف جامعه در مسیر تحقق نظام تمدن توحیدی گام بردارند، ناگزیر از هم‌افزایی تام و همه‌جانبه زن و مرد بر اساس ظرفیت‌ها و مزیت‌های ویژه خود در این مسیر هستیم. یکی از آن عناصر مهم جامعه، حاکمیت و مساله «داره» است.

اراده زنسان عنصر مفقود اداره جامعه در ۴ دهه اخیر بوده است. این فقدان ناشی از ۲ عامل مهم بود. اول اینکه در تجربه ۴۰ ساله گذشته ما این هم‌افزایی زن و مرد و تشریک مساعی در فرآیندهای حکمرانی مبتنی بر رویکرد «زوجیت‌باوری» نبود و مشارکت بانوان در این عرصه‌ها یا با الگو و کلیشه‌های مردانه و ذیل سایه اراده آقایان محقق می‌شد، مانند اداره امور بانوان فلان دستگاه یا به نحوی تشریفاتی و زینت‌بخش به ساختارهای از پیش تعیین شده و عنینت یافته پیوست می‌شد، مانند اسامی زنان در لیست‌های سیلیوی انتخاباتی!

عامل دوم اما مهم‌تر بود. ما در جمهوری اسلامی‌ای با باور و غزمی برای بسط زوجیت در عرصه حکمرانی نداشتیم (و هنوز هم نداریم) یا طرحی برای تحقق آن روی زمین واقعیت ترسیم نکرده‌ایم، لذا مجبور به اکتفا به همان کلیشه‌هایی که گفته شد بودیم. شوربختانه این کلیشه‌ها نه تنها ما را از ظرفیت‌های ویژه زنان محروم کرد، بلکه حتی چالش‌های جدی و غیرقابل جبرانی را در صحنه واقعیت برای ما رقم زد که «قابت‌های صنفی» در عرصه خانواده و جامعه یکی از آنها بود. واضح است وقتی رقابت جایگزین هم‌افزایی شود، نتیجه چه خواهد بود. وقتی قرار است در وزارت جهاد کشاورزی یا وزارت فرهنگ یک پست سازمانی تحت عنوان امور بانوان تشکیل شود یا در فلان لیست انتخاباتی مجلس نامی هم از یک یا دو زن برده شود، معلوم است که رقابت به‌نحو سیستماتیک ایجاد تقویت می‌شود. ساختارهای حکمرانی ما اینگونه مقوم «قابت صنفی» هستند و در چنین فضای صحبت از هم‌افزایی یا «تقدیم و تقدم» بی‌معناست. تقدیم و تقدم یعنی ترجیح داوطلبانه دیگری بر خود بر اساس «شیاسته‌سالاری» که طرح انقلاب اسلامی برای حکمرانی بر اساس تصریح مقام معظم رهبری است.

دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در بسیاری از شهرها به دور دوم کشیده شد و این در حالی است که تعداد کل بانوان رایافته به مجلس در دور اول انگشت‌شمار بود. البته باید تأکید کنم که بنده به هیچ عنوان قائل به لزوم برابری یا حتی تعیین سهمیه کرسی‌های مجلس بر اساس جنسیت نبوده و نیستم. معتمد تک‌تک کرسی‌های مجلس باید براساس صلاحیت‌ها و نیازهای سیستم قانون‌گذاری کشور تخصیص یابد، لذا برای نگارنده به هیچ عنوان ترکیب جنسیتی مجلس آینده بی‌فلسفه اصالت ندارد.

برخی سرفصل‌های مهم در لیست بلند اولویت‌های کشور و نیازهای سیستم قانون‌گذاری، مسائل زنان، خانواده، حجاب، جمعیت‌ود هستند که سطح تخصصی و پیچیدگی‌های مواجهه با آنها به مراتب بیشتر و دقیق‌تر از بسیاری مسائل اقتصادی و سیاسی است زیرا صرفاً نظر از ذوابعاد بودن پدیده‌های اجتماعی، مساله‌های این حوزه واحد حساسیت‌ها و ملاحظیات عده‌های نیز هستند و از این منظر تقنین و سیاستگذاری در این عرصه‌ها حقیقتاً موضوعی کارشناسی‌نیازمند دانش تخصصی در کنار تعهد و مسؤولیت‌پذیری است. ورود و مداخله کارشناسان عمومی و غیرمستقر در این حوزه و پژوهشگران مقیم سایر عرصه‌ها در این موضوعات قطعاً به روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ضربه خواهد زد و به این منجر خواهد شد که مسائل و موضوعات مدخلات پروژه‌های جایگزین راهکارهای فرآیندی در این حوزه شود. پس نخستین مساله مهم توجه به تخصص افراد در فرآیند تقنین و سیاستگذاری در عرصه زنان و خانواده و مسائل مرتبط با آن است که باید لحاظ شود.

ادامه در صفحه ۶

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱